

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

تحفه‌هایی از گنجینه‌ی معارف امام هادی علیه السلام (۲)

امروز بیست‌وهفتم جمادی‌الثانی و چند روز آینده که سوم ماه رجب است، دو نقل شهادت امام هادی علیه السلام هستند و بنا به یکی از دو نقل روز دوم ماه رجب میلاد امام هادی علیه السلام است. نقل دیگر برای میلاد ایشان پانزدهم ماه ذی‌الحجه‌ی سال ۲۱۲ هجری قمری می‌باشد. دو روایت از حضرت یکی به اعتبار شهادت و دیگری به اعتبار ولادت ایشان یادداشت کرده‌ام که می‌خوانم. امیدوارم خدای متعال همین را به اندازه‌ی وسع کوچک ما به عنوان عرض ادب و ارادت‌ی به محضر امام هادی علیه السلام پذیرا باشد.

حدیث اول:

امام هادی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَىٰ وَ الْأٰخِرَةَ دَارَ عُقْبَىٰ وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِنَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا وَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوَضًا»^۱ خدای متعال دنیا را دار ابتلا و گرفتاری قرار داد. نکته‌ی بسیار مهمی است که تصویر ما درباره‌ی دنیا استراحت‌گاه نباشد؛ جایی نباشد که انتظار داشته باشیم در آنجا خوش بخوریم و خوش بنوشیم و خوش بپوشیم و خوش بگذرانیم و لذت ببریم. اساساً خداوند دنیا را دار ابتلا قرار داد. ما را به دنیا آورده تا سختی بکشیم، ساخته شویم و تعالی بیابیم. اینجا جایی نیست که ما را آورده باشد که استراحت کنیم و لذت ببریم. تصحیح تعریف ما راجع به دنیا، انتظار و توقع ما را از حوادث دنیوی تغییر می‌دهد و اگر اتفاق دشوار، تلخ و سختی برای ما پیش آمد، خلاف توقع مان نخواهد بود که دکورازه شویم، خودمان را گم کنیم و دچار یأس و افسردگی شویم؛ چون وقتی انسان از پیش در انتظار یک حادثه است، وقتی رخ داد دکورازه نمی‌شود. اگر انسان تعریفش

^۱ ابن‌شعبه‌ی حرانی، تحف‌العقول، ص ۴۸۳ و مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۳۶۵.

راجع به دنیا این باشد که دار بلوی و سرزمین دشواری‌ها، ابتلائات و سختی‌ها را متحمل شدن برای رسیدن به کمال و تعالی است، وقتی سختی و دشواری‌یی پیش آمد؛ خلاف انتظارش نیست و لذا به راحتی می‌شود آن را تحمل کرد. فرمودند: خدای متعال دنیا را خانه‌ی ابتلائات و آخرت را خانه‌ی ماندگار، نهایی و اخروی ما قرار داد. فرجام ما در آخرت است. «وَجَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِقَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا» فرمودند: خدای متعال ابتلائات، دشواری‌ها و گرفتاری‌های دنیایی را سبب ثواب‌ها و بهرمندی‌های اخروی قرار داد. یعنی در دنیا با هرچه سختی و دشواری مواجه می‌شویم بی‌هدف، تصادفی و اتفاقی نیست؛ از پیش برنامه‌ریزی شده است. هم نوع حادثه‌ی دشواری که برای ما پیش می‌آید با حکمت و علم الهی دقیق تشخیص داده شده که ما به چه چیز نیاز داریم و هم میزان و شدت آن حادثه دقیقاً تعیین شده است؛ مثل دارویی که یک پزشک، نوع دارو و دُز و میزان مصرف آن را براساس تشخیص دقیق و عالمانه‌ی خود برای بیمار تجویز می‌کند؛ خدای متعال هم دشواری‌ها و سختی‌هایی را که در زندگی برای انسان پیش می‌آورد، به همین دقت از پیش برنامه‌ریزی می‌کند و آن را سبب ثواب آخرت قرار می‌دهد. اگر آخرت و دنیا را به معنای عمیق‌تر آنها بدانیم، آنچه از دشواری‌ها در جنبه‌های ظاهری زندگی ما رخ می‌دهد، بهره و ثمره‌اش در باطن ما واقع می‌شود و به دست می‌آید. سازندگی‌های روحی و باطنی، همان ثواب و پاداش اخروی است. آخرت به معنای باطن که در قرآن هم به همین معنا به کار رفته است: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۲. قرآن در اینجا آخرت را نقطه‌ی مقابل ظاهر قرار داده که به معنای باطن است. پس سختی‌های ظاهری سازندگی و بهره‌مندی‌های باطنی را در پی دارد. «وَتَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضًا» و خدای متعال آن دست‌آوردها و ثمرات اخروی‌یی که نصیب انسان می‌شود را عوض و جایگزینی در قبال دشواری‌های دنیوی قرار داده است؛ یعنی این‌گونه نیست که انسان بی‌عوض سختی بکشد؛ نه، ثمره‌ای دارد. همان لحظه‌ای که ظاهر وجودش سختی و تلخی را متحمل می‌شود، باطن وجودش راحتی را

^۲. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۷.

احساس می‌کند و شیرینی را می‌چشد. این نکته‌ی بسیار عمیق و لطیفی است که از این جمله‌ی زیبای امام هادی علیه السلام می‌شود درس گرفت. البته در مورد این عبارات خیلی مفصل می‌توان صحبت کرد؛ منتهی بنای من بر تفصیل نیست.

حدیث دوم:

حضرت فرمودند: «الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتِ الشُّكْرَ لِأَنَّ النِّعَمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عُقْبَى»^۳ شخصی که شاکر است، نعمت‌های الهی را می‌بیند و به‌خاطر آنها خرسند است که چه نعمت‌های گران‌بهایی و چه منعم نازنین و بزرگی؛ هم به اعتبار ارزش خود نعمت خوشحال و سرشار از شادی است و هم به‌خاطر اینکه عطا‌کننده‌ی این هدایا و نعم چه موجود عظیم‌القدر و حقیقت بزرگ و دوست‌داشتنی است که چنین هدیه‌ی بزرگی به او داده، خوشحال است. یکی به لحاظ اینکه هدیه دهنده موجود عظیم و نازنینی است و دوم به لحاظ اینکه خود هدیه چیز گران‌بها و ارزشمندی است. این انسان می‌شود انسان شاکر که در زندگی‌اش خوشحال است، عطایای خدا را می‌بیند و از داشته‌های گران‌بهایی که خداوند به او داده غافل نیست؛ چه داشته‌های مادی و چه داشته‌های معنوی، چه عطایای ظاهری و چه عطایای باطنی. جنبه‌های مثبت را می‌تواند ببیند و نگاه مثبت‌نگر عارفانه و ایمانی را در زندگی دارد و به سبب آنها سرشار از شادی است و طبیعتاً این شادمانی درونی به نوعی قدرشناسی شخص در قالب تشکری که از دهنده‌ی این هدایا؛ یعنی خدای متعال می‌کند، ابراز می‌شود. حضرت فرمودند: «أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتِ الشُّكْرَ» سعادت‌مندی انسان شاکر به سبب همین روحیه‌ی شکر و شکرگزاری که می‌کند، به مراتب بالاتر از سعادت دستیابی به نعمت ارزشمندی است که خدا به او داده است. یعنی ارزش خودِ شکر بسیار بزرگتر از نعمتی است که به سبب آن نعمت، خدا را شکر می‌کند. اینجا هم یک بحث بسیار مفصّلی وجود دارد که متأسفانه نمی‌توانم واردش شوم؛ وقت‌مان تنگ است. اینکه شکر چه سازندگی‌هایی دارد و چه نقش‌آفرینی‌یی در حادثه‌های زندگی ما

^۳. ابن‌شعبه‌ی حرّانی، تحف‌العقول، ص ۴۸۳ و مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۳۶۵.

دارد؛ چه در ادبیات دینی اگر بخواهیم بگردیم در آیات قرآن و احادیث خواهیم دید که چگونه برای آینده‌ی زندگی ما نقش می‌آفریند. انسان شاکر با شکرش، آینده‌ی زیبایی را برای خودش پیش می‌آورد و خلق و ایجاد می‌کند. شکر نعمت نعمت افزون کند. و چه از منظر روانشناسی و بحث‌هایی که در روانشناسی روز مطرح است که نقش روحیه‌ی شکر در خلق حادثه‌های مثبت در آینده‌ی زندگی ما چیست. حضرت فرمودند: سعادت‌مندی ناشی از شکر انسان شاکر، بالاتر از سعادت‌مندی نعمتی است که به او رسیده و به سبب آن نعمت شکر می‌کند. دلیلش را هم حضرت فرمودند؛ «لِأَنَّ النَّعْمَ مَتَاعٌ وَالشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عُقْبَى» چون نعمت‌هایی که به خاطرش شکر می‌کند متاعی بیش نیست. خدا ثروت، سلامتی، منزلت و محبوبیت اجتماعی، پست و مقام و ... در اختیارش قرار داده است که متاعی بیش نیست. «مَتَاعٌ قَلِيلٌ»^۴ چهار روزی بیشتر با او نیست. بعد از مرگ دیگر با او نیست. حداکثر تا زمان مرگ با او باشد و چه بسا قبل از مرگ از او گرفته شود. این ثروت از بین برود، سلامتی از بین برود، پست و مقام را از او بگیرند یا محبوبیت و وجاهت اجتماعی را از دست بدهد. بنابراین چیزی که به سبب آن شکر می‌کند متاعی بیش نیست. سعادت‌مندی دست‌یابی به این متاع به مراتب کوچکتر از آن شکر است. چرا؟ «وَالشُّكْرُ نِعْمٌ وَ عُقْبَى» شکر هم سرچشمه‌ی فوران نعمت‌ها در زندگی انسان است و هم چیز ماندگاری است. فرجام زندگی جاودان انسان تحت تأثیر شکر قرار می‌گیرد و هم ثمرات دنیوی دارد که نعمت‌ها را زیاد می‌کند و هم ثمرات اخروی دارد که آخرت انسان را زیبا می‌کند. شکر هم ثمرات ظاهری و هم ثمرات باطنی دارد. لذا شکر از نعمتی که انسان به سبب آن شکر می‌کند، گران‌بهرتر است و میزان سعادت‌مندی او به جهت شکری که انجام می‌دهد به مراتب بالاتر از میزان سعادت‌مندی او به سبب نعمتی است که به خاطر آن شکر می‌کند. امیدوارم بهره‌ی کافی را از این رهنمودها در مسیر سلوک‌الی الله و نیل به قلّه‌های بلند بندگی حضرت حق ببریم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۴. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۷ و سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۱۷.